

نگاهی به اندیشه مردی که به مقاومت هدمند معتقد بود

فاتح اندیشه‌ها

مقتضیات مرتبط به اجرا درمی‌آورد. دکتر شقاقی مطالعات اسلامی بی‌شماری در کارنامه خود داشت و اعتقاد او به جهاد و شهادت در راه دفاع از نوامیس و دین و آگاهی‌اش از ماهیت صهیونیست‌ها باعث می‌شد که دیدگاه‌های خود را به‌صراحت در قبال ساف، روند سازش، عرفات، رژیم صهیونیستی و دیگر مسائل جهان اسلام عنوان کند. همین صراحت لهجه و آگاهی از نیات واقعی رژیم صهیونیستی، او را در نظر رژیم اسرائیل به دشمنی آگاه و خطرناک تبدیل کرد. در زمینه فکری، نوشته‌ها، مقالات و سخنرانی‌های او بهترین دلیل و گواه بر تیزی، دقت نظر و عمق دیدگاهش نسبت به اسلام و آینده مسلمانان است. این ژرف‌اندیشی را در مقالات و سخنرانی‌های پرشور او که در اجلاس‌ها و سمینارهایی که در ایران، لبنان، سوریه و دیگر کشورها ایراد کرده است، می‌توان دید. شهید شقاقی به وحدت مسلمانان با تمام وجود معتقد است و روحیه جهاد و شهادت را راهگشای مشکلات مسلمین می‌داند.

دکتر «فتحی شقاقی» رهبری «جنبش جهاد اسلامی» را در محورهای فکری و عملیاتی برعهده داشت. عملکرد و کارنامه «جنبش جهاد اسلامی» طی سال‌های ۱۹۹۳-۱۹۸۷ میلادی (سال‌های انتفاضة اول-۱۳۶۶-۱۳۷۲ش) را می‌توان به‌نوعی بازتابی از افکار او دانست. در عرصه ایده‌پردازی، دکتر شقاقی، ایده‌پرداز جنبش نیز به‌شمار می‌رفت. تألیف مقالات و کتب متعدد، از ایشان مبارزی سرشناس و متبحر ساخته بود. پایه‌گذاری و مدیریت جنبش جهاد اسلامی، بزرگ‌ترین میراث این شهید است. دکتر شقاقی با علم به اندیشه‌های صهیونیستی، بر این اعتقاد بود که هر نوع راه‌حل سیاسی و سازش کارانه با رژیم صهیونیستی محکوم به شکست است و تنها راه مقابله با این رژیم، جهاد مسلحانه است. او می‌گفت شعار «نیل تا فرات» یکی از اصول بنیادین رژیم صهیونیستی است و این رژیم در هر زمان و مکانی، این شعار را با در نظر گرفتن

عملاً برخلاف منشور این سازمان حرکت کرد. دکتر شقاقی در آن سال‌ها، با ملاحظه دیدگاه‌های ساف نسبت به کج‌روی این سازمان هشدار داد و امروز می‌بینیم که میوه‌های سیاست نادرست ساف به ثمر نشسته است. ساف در آن سال‌ها با امضای قرارداد غزه-اریحا در برنامه‌ریزی آینده خود، حکومت فلسطینی را در سال ۱۹۹۹م (۱۳۷۸ش) محقق می‌پنداشت؛ ولی امروزه نه تنها از آن حکومت فلسطینی هیچ اثری نیست، بلکه حتی قرارداد اسلو توسط شارون، مرده قلمداد شده است. دکتر شقاقی با هشدار به ساف درباره متعهدنبودن رژیم صهیونیستی نسبت به مفاد معاهدات سعی کرد تا این سازمان را از مهلکه بازی‌های سیاسی رژیم صهیونیستی نجات دهد و اهداف واقعی را با تکیه بر توان مبارزاتی فلسطینی‌ها، یادآور شود. این شهید ضمن مخالفت با هرگونه صلح و سازش با رژیم صهیونیستی، معتقد است که سازش می‌تواند شرایط مناسبی را برای آسودگی خیال صهیونیست‌ها ایجاد کند تا با توسعه‌طلبی، بهبود اقتصادی و تسلط سیاسی، آن‌ها را از بار سنگین جنگ فرسایشی خسته‌کننده‌ای که نتیجه ادامه مبارزه فلسطینی‌هاست، رها کند. شهید شقاقی در این زمینه معتقد است که مسئله بسیار خطرناک در روند سازش این است که خواسته‌ها و منافع رژیم صهیونیستی، با خواسته‌ها و منافع ملت فلسطین تناقض ریشه‌ای و اصولی دارد. او توافق‌نامه‌های اسلو و دیگر توافق‌نامه‌ها را خطرناک‌ترین تهدیدهایی می‌داند که تاریخ، هویت و ملت فلسطین را نشانه رفته است؛ چراکه در این توافق‌نامه‌ها، مشروعیت رژیم اشغالگر قدس در بخش‌های بزرگی از فلسطین به رسمیت شناخته شده، درحالی‌که به فلسطینیان، فقط اجازه برپایی یک مجمع خودگردانی محدود در مساحتی کوچک (کمتر از ۲درصد از فلسطین) را داده است؛ حتی همین مساحت از فلسطین

فلسطین یکی از مظاهر وحدت مسلمانان

فلسطین از نظر دکتر فتحی شقاقی، اصل و اساس همه مسائل جهان اسلام به‌شمار می‌رود. او همیشه می‌گفت تا وقتی بر سه اصل متکی باشیم، پیروز و موفق خواهیم شد:

۱. فلسطین را بدون اسلام مطرح نکنیم.
 ۲. اسلام را بدون فلسطین نخواهیم.
 ۳. بدانیم که این دو بدون جهاد و شهادت میسر نخواهد شد.
- به نظر او آرمان فلسطین باید در همه مسلمانان و گروه‌های ملی‌گرا و چپ‌گرا در سراسر جهان عرب و اسلام در مرکزیت قرار بگیرد و وجود وضعیت فعلی در فلسطین به‌خاطر نقش رهبران فرصت‌طلب غیراسلامی است که زمام رهبری توده‌ها را به دست گرفته‌اند. از نظر دکتر شقاقی، دلایل شکست و ناتوانی اعراب در جنگ‌های ۱۹۴۸م (۱۳۲۷ش) و ۱۹۶۷م (۱۳۴۶ش)، امروزه در اقدامات مدعیان رهبری فلسطین و از لابه‌لای طرح‌های آن‌ها برای حل مسئله فلسطین نمودار است. دکتر شقاقی، اسلام و جهاد و فلسطین را به‌عنوان سه شاخص مهم در حرکت «جنبش جهاد اسلامی» عنوان می‌کرد. وی ساف را نیز از این شاخص‌ها بی‌بهره نمی‌دانست، اما به نظرش آنچه در چند سال گذشته روی داده و به‌ویژه امتیازدهی‌های مجانی سیاسی ساف، باعث شده شکاف میان آن‌ها روز به روز بیشتر شود؛ به‌نحوی که رسیدن به نقطه‌ای مشترک با ساختار فعلی ساف غیرممکن شده است. ساف با اندیشه حذف و نابودی اسرائیل و برپایی حکومت فلسطینی در سال ۱۹۶۴ متولد شد و طی چهار دهه گذشته، فرازونشیب‌های فراوانی داشته است. به دلایل گوناگون این سازمان رفته‌رفته از مواضع آرمانی جهادی اولیه خود عدول کرد تا اینکه در نهایت در سال ۱۹۹۳ با امضای پیمان غزه-اریحا، رژیم صهیونیستی را به رسمیت شناخت و